**فهرست مطالب**

[خطبه اول 1](#_Toc426885500)

[فرازهایی از قسمت دوم مناجات شعبانیه 2](#_Toc426885501)

[نکاتی از این فراز 2](#_Toc426885502)

[علم الهی به اسرار بندگان 3](#_Toc426885503)

[تقدیرِ الهی 3](#_Toc426885504)

[نقصان و ضرر بنده از طرف خدا 6](#_Toc426885505)

[خطبه دوم 6](#_Toc426885506)

[اهمیت اعتکاف 7](#_Toc426885507)

[کمیته امداد و طرح اکرام 7](#_Toc426885508)

[اهمیت آموزش و پرورش 8](#_Toc426885509)

[دعا 9](#_Toc426885510)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1) ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسَیُّما بقیة الله فی الارضین.**

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[2]](#footnote-2)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی.**

## فرازهایی از قسمت دوم مناجات شعبانیه

**«وَ تَعْلَمُ ما فی نَفْسی وَ تَخْبُرُ حاجَتی وَ تَعْرِفُ ضَمیری وَ لا یَخْفی عَلَیْکَ اَمْرُمُنْقَلَبی وَ مَثْوایَ وَ ما اُریدُ اَنْ اُبْدِئَی بِهِ مِنْ مَنْطِقی وَ اَتَفَوَّهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتی وَ اَرْجُوهُ لِعاقِبَتی. وَ قَدْ جَرَتْ مَقاء دیرُکَ عَلَیَّ یا سَیِّدی فیما یَکُونُ مِنّی اِلی آخِرِ عُمْری مِنْ سَریرَتی وَ عَلانِیَتی، وَ بِیَدِکَ لا بِیَدِ غَیْرِکَ زِیادَتی وَ نَقْصی وَ نَفْعی وَ ضری**.»[[3]](#footnote-3)

و تو می‌دانی آنچه را که در دلِ من است و از نیازم آگاهی و ضمیرم رامی شناسی و هیچ امری از امور دنیا و آخرتم بر تو پوشیده نیست؛ ونیز می‌دانی آنچه را که می‌خواهم بر زبان‌آورم، و به آن دهان بگشایم، آگاهی به آنچه که برایِ عاقبتم امیدوارم. و به‌درستی که آنچه در ظاهر و باطن من تا آخر عمر از من سر خواهد زد، از تقدیرِ تو گذشته است و کمی و زیادی و سود و زیانِ من به دست‌تو است، و در دستِ هیچ‌کس جز تونی است.

همچنین می‌فرماید: «**یَعْلَمُ خائِنَةَ اْلأَعْیُنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدُورُ**»[[4]](#footnote-4) او به خیانت چشم‌ها و به آنچه در سینه‌ها پنهان است عالم است.

# نکاتی از این فراز

1. آگاهی خداوند به تمام اسرار بندگان

2. تقدیر الهی بودن تمامی امور در زندگیِ بنده

3. در اختیار داشتن سود و زیان در زندگی تمامی مردم.

توضیح این نکات: **«وَ تَعْلَمُ ما فی نَفْسی وَ تَخْبُرُ حاجَتی...»**

# علم الهی به اسرار بندگان

خداوند به آنچه در قلب‌ها می‌گذرد آگاه است و بالاتر از آن، اینکه بر هر چیزی در جهان هستی، علمی کامل دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«**وَ ما یَعْزُبُ عَنْ رَبِّکَ مِنْ مِثْقالِ ذَرَّةٍ فِی اْلأَرْضِ وَ لا فِی السَّماءِ**»[[5]](#footnote-5) و پنهان نمی‌ماند از پروردگارت، حتّی به‌اندازه ذرّه‌ای در زمین و آسمان.

غرض آنکه حضرت در این فراز از دعا، خواستند از این حقیقت عالی و زیبا، حظی برده و از این خرمن خوشه‌ای برداشته و در این عالم روحی نیز گامی بردارند و آن اینکه «**عِلْمُه بِحالیِ حَسْبی من سُؤالی**» «**وَ قَدْ جَرَتْ مَقادیرُکَ عَلَیَّ یا سَیِّدی فیما یَکُونُ مِنّی اِلی آخِرِ عُمْری مِنْ سَریرَتی وَ عَلانِیَتی»[[6]](#footnote-6)**

# تقدیرِ الهی

گرچه بحث از «قضا و قَدَر»، از پیچیده‌ترین مباحث علم کلام است، ولی به مناسبت این فراز از دعا، که از تقدیر سخن گفته‌شده است، بهتر دیدیم که به‌طور مختصر و به‌دوراز پیچیدگی، اشاره‌ای به آن گردد.

شاید نخستین سؤالی که با شنیدن نام «قضا و قَدَر» به ذهن آدمی خطورمی کند این است که: اگر بنا باشد، هر آنچه در زندگی آدمی پیش می‌آید و اتفاق می‌افتد، بر طبق قضا و قدر الهی باشد، پس چه فایده‌ای برای دعا می‌توان تصور کرد واساسا تلاش در زندگی بشر چه سودی می‌تواند داشته باشد؟

در پاسخ به این سؤال مهم، آن‌هم به‌اجمال باید گفت:

اولاً: قضا و قدر همانند درختی با شاخه‌های انبوه است.

ازجمله شاخه‌های آن این است که: دعا نمودن و به دنبال آن، استجابت دعا، خود از مصادیق قضای الهی است؛ یعنی قضا و تقدیر الهی بر آن تعلق‌گرفته است که در زندگی آدمی، دعا و اجابتی باشد.

همچنین خداوند این‌گونه اراده فرمود و این‌گونه قضا و قدر خویش را جاری ساخت که هر که در زندگی، اهل تلاش باشد، به آرزوهایش خواهد رسید و مقدر فرمود که هرکه تقواپیشه کند، رستگار خواهد شد.

ثانیاً: در مورد دعا، مطلب بالاتر از این حرف‌هاست؛ یعنی تأثیر دعا تا آنجاست که می‌تواند قضایِ الهی را نیز تغییر دهد؛ همان‌گونه که از امام باقر علیه‌السلام چنین نقل‌شده است که: «**اَلدُّعاءُ یَرُدُّ الْقَضاءَ وَ قَدْ اُبْرِمَ اِبْراما**»[[7]](#footnote-7) دعا، قضای الهی را تغییرمی دهد، اگرچه آن قضا، کاملاً محکم شده باشد. یعنی درواقع، بنده توسط قضای الهی که دعا باشد ـ می‌تواند قضای دیگری را رفع کند و این‌یکی از شگفتی‌های این شاهکار خلقت، یعنی انسان است که تا این حد می‌تواند در جهان هستی ـ به اذن الهی ـ تأثیرگذار باشد.

سخن آخر درباره مبحث قضا و قدر، موضوع بَداء است که درواقع، ارمغانی بزرگ از ناحیه اهل‌بیت علیهم‌السلام برای انسان‌هاست.

بَداء به زبان ساده یعنی اصل تغییرپذیری تقدیرات الهی و اینکه هیچ‌یک از امور عالم جز به تقدیر خداوند تحقق نمی‌یابد، و البته این تقدیر، حتمی نیست.

ناگفته نماند که بَداء از آن دسته از اسرار الهی است که احدی را جز خدا، بدان راه نیست. چنانچه امام صادق علیه‌السلام فرمود: همانا خداوند را دو علم است:

1. علمِ نهفته و در خزانه که جز او کسی نداند و بَداء از این علم است.

2. علمی که خداوند به ملائکه و رسولان و پیغمبرانش تعلیم داده که ما آن رامی دانیم.

و در قرآن نیز که فرمود: «**یَمْحُوا اللّهُ ما یَشاءُ وَ یُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْکِتابِ**»[[8]](#footnote-8) خداوند هرچه را که بخواهد محو می‌کند (گرچه ثبت‌شده بود) و هرچه را بخواهد ثبت می‌کند ـ گرچه قبلاً ثبت‌نشده بود ـ و اصل و کتاب مادر، منحصراً نزد اوست.

حاصلِ سخن آنکه، باوجود بَداء موضوع ناامیدی و افسردگی از میانمی رود و منتفی می‌شود و همواره آنچه در جلوه است، ستاره امید است؛ چون همواره، احتمال تغییر شرایط موجود می‌رود.

چنانچه حضرت سیّدالشهداء علیه‌السلام در دعای عرفه این‌گونه زیبا و دل‌نشین به این موضوع اشاره فرموده که:

**«اِلهی اِنَّ اخْتِلافَ تَدْبیرِکَ وَ سُرْعَةَ طَواءِ مَقادیرِکَ مَنَعا عِبادَکَ الْعارِفینَ بِکَ عَنِالسُّکُونِ اِلی عَطاءٍ وَ الْیَأْسِ مِنْکَ فی بَلاءٍ».[[9]](#footnote-9)**

خدای من! به درستی که اختلاف و دگرگونی تدبیرات و سرعت تحول تقدیراتتو، بندگان عارف تو را از توقف در عطا و یأس و ناامیدی در بلا باز می‌دارد.

**«وَ بِیَدِکَ لا بِیَدِ غَیْرِکَ زِیادَتی و نَقْصی وَ نَفْعی وَ ضَرّی.»[[10]](#footnote-10)**

در اختیار داشتن سود و زیان مردم از سوی خداوند

خداوند نه‌تنها زیادت و نفعی را که نصیب آدمی می‌گردد از سوی خودمی داند، بلکه نقصان و ضرر و مصایبی نیز که به انسان وارد می‌شود به خود، منتسب می‌داند؛ همان‌گونه که در قرآن، بدان اشاره فرموده است که: «**وَ ما أَصابَ مِنْ مُصیبَةٍ فِی اْلأَرْضِ وَ لا فی أَنْفُسِکُمْ الاّ فی کِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهاإِنَّ ذلِکَ عَلَی اللّهِ یَسیرٌ**.»[[11]](#footnote-11) هیچ مصیبتی در زمین و در شما اصابت نمی‌کند، مگر آنکه قبل از ایجادش در کتابی ثبت است، به‌درستی که این کار بر‌خداوند، آسان است.

و نیز در آیه دیگر می‌فرماید: «**ما أَصابَ مِنْ مُصیبَةٍ إِلاّ بِإِذْنِ اللّهِ**»[[12]](#footnote-12) هیچ مصیبتی رُخنمی دهد مگر به اذن خدا».

و بالاخره در آیه دیگر می‌فرماید: «**قُلْ لا أَمْلِکُ لِنَفْسی ضَرًّا وَ لا نَفْعًا**»[[13]](#footnote-13) بگو! من مالک نفع و ضرر خویش نیستم.

# نقصان و ضرر بنده از طرف خدا

خداوند، حکیم است و آنچه از او به ظهور می‌رسد از سرچشمه حکمت و مصلحت جاری می‌شود. بنابراین اگر نقصان و ضرری نیز متوجه انسان می‌گردد، از حکمت و مصلحتی پنهانی برخوردار است، گرچه آدمی به سبب علم اندکش از آن مصالح بی‌خبر است. اگر معتقد باشید که خدا، هنگامِ مصیبت و گرفتاری به یاریتان خواهد شتافت، و یا اینکه هر درد و رنج به‌اندازه سرور و شادمانی منشأ الهی دارد، در این صورت، درد و رنج و یأس و نومیدی از شما دور خواهد گشت.

آنکه تمام اشیا را در سیر خود مجبور می‌بیند، لب به شکایت نمی‌گشاید؛ زیرا او اشیا را ازنظر ابدیت نگاه می‌کند، و می‌داند که بدبختی‌های او در نظام کلی عالم، بدبختی نیستند، زیرا ترکیب و تتابع ابدی عالم را صحیح می‌داند. با این افکار و تصورات، شخص، خود را از لذات متغیر و ناپایدار دور می‌سازد و به سکوت و آرامش برتری می‌رسد که در آن، تمام اشیا را اجزاء یک نظم ابدی می‌بیند، یاد می‌گیرد که چگونه بر ناملایمات بخندد و خواه در حال و خواه در هزار سالِ دیگر به‌حق خود برسد، راضی خواهد بود.

**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»[[14]](#footnote-14)**

# خطبه دوم

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[15]](#footnote-15) ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسَیُّما مولانا علی بن ابیطالب و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی الائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد والحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و أمناء الرحمن و سلالة النبین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین .اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[16]](#footnote-16)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی.**

## اهمیت اعتکاف

اعتکاف، محو خودخواهی در امواج بلند خدا گرایی و خدمت به امت اسلامی است. اعتکاف، بیرون رفتن از خانه خویش و مصمم شدن بر حضور در خانه حضرت حق است. عبادتی مستحبی و تقرب جویانه و داوطلبانه است که روزه روز سوم آن رنگ وجوب می‌گیرد. اعتکاف، گریز از لذت‌گرایی و مهار حس خودمحوری وبرتری جویی و بازگشت از قبله دنیاگرایان به سمت‌وسوی قلب و قبله هستی است. خودسازی، محاسبه نفس، توبه و نیایش، نماز و تلاوت قرآن و استمداد از آستان قدس ربوبی از دیگر برکات اعتکاف است.  اسلام، فکر جدایی از زندگی دنیا و گوشه نشینی و کناره گیری از مردم و به تعبیر دیگر رهبانیت را باطل و ناپسند اعلام کرد، اما اعتکاف را به‌عنوان فرصتی برای بازگشت به خویش و خدای خویش قرارداد، تا کسانی که از هیاهو و جنجال‌های زندگی مادی خسته می‌شوند، بتوانند چند صباحی باخدای خود خلوت کنند و جان و روح خود را با خالق هستی ارتباط دهند. اعتکاف شرایطی را فراهم می‌کند تا انسان‌ها با توشه معنوی و اعتقادی راسخ و ایمان و امیدی بیشتر، به زندگی خود ادامه داده، خود را برای صحنه‌های خطر و جهاد درراه خدا آماده سازند، همیشه با یاد خدا تلاش کنند، خود را در محضر پروردگار ببینند، از نافرمانی او بپرهیزند و به‌سوی سعادت دنیا و آخرت گام بردارند.

# کمیته امداد و طرح اکرام

خدا را بندگانی است که برای سود رساندن به دیگران نعمت‌های خاصی به آنان بخشیده تا آنگاه‌که دست بخشنده دارند نعمت‌ها را در دستشان باقی می‌گذارد و هرگاه از بخشش دریغ کنند، نعمت‌ها را از دستشان گرفته و به دست دیگران خواهد داد.

 طرح‌های اکرام ایتام و محسنین، از جمله طرح‌هایی هستند که کمیته امداد امام خمینی (ره) به منظور استفاده از مشارکت مردمی در رسیدگی به نیازمندان اجرا می‌کند. طرح اکرام ایتام مختص کودکانی است که پدر خود را از دست داده‌اند. طرح محسنین مربوط به کودکانی است که یا پدر و مادر از یکدیگر جدا شده و تحت سرپرستی مادرشان هستند و یا آن‌که پدرشان در قید حیات است، اما به دلیل بیماری قادر به تأمین معاش خانواده نیست. تشخیص نیازمند بودن این خانواده‌ها توسط کارشناسان کمیته امداد انجام می‌شود.

مردم مسلمان ایران و مسئولان نظام با الهام از آیات قرآن و روایات معصومین، حمایت از محرومان و مستضعفان را آرمان خود دانسته و همواره سعی و تلاششان در بسط عدالت اجتماعی و تأمین رفاه عمومی مردم بوده و در این راستا سازمان‌های دولتی و غیردولتی با قدمتی بیش از چند دهه متولی این امر مهم بوده‌اند. نهادهایی نظیر سازمان بهزیستی، هلال‌احمر، بنیاد 15 خرداد، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان، کمیته حمایت از بیماران خاص، کمیته امداد امام خمینی رحمه‌الله نهادهای خیریه غیردولتی و... . هرکدام در برهه‌ای از زمان و به دلایل خاصی، وظیفه خدمات‌رسانی به قشر خاصی را به عهده گرفته‌اند که بعضی از این مراکز مستقیماً زیر نظر دولت بوده و تماماً از اعتبارات دولتی استفاده نموده‌اند. برخی از این نهادها، هم از اعتبارات دولتی و هم از اعتبارات خاص استفاده نموده‌اند و برخی دیگر نیز صرفاً با استفاده از کمک‌های مردمی اقدام به محرومیت‌زدایی می‌نمایند.

صدقه و انفاق و شرایط آن و نیز فرهنگ‌سازی آن در جامعه، به‌عنوان یک ارزش در آیات و روایات مختلفی مطرح‌شده است، چراکه این کار باعث ارتباط فرد با خالق خود و سبب مشارکت وی در کار خیر شده و علاوه بر اجر اخروی که تأکید زیادی بر آن شده، در این دنیا ازنظر روحی و روانی، سبب تحول وی خواهد شد.

# اهمیت آموزش‌وپرورش

بی شک آموزش و پرورش اساسی‌ترین نهاد اجتماعی در شکل دهی، هدایت و کنترل افکار افراد هر جامعه بشری است و داشتن یک آموزش و پرورش توانمند لازمه‌ی هر توسعه‌ی اجتماعی است. در بعضی از کشورهای جهان حکومت‌ها مستقیماً آموزش‌وپرورش را به کنترل خود درمی‌آورند تا بتوانند آن را در جهت پیشبرد اهداف خود بکار برند. در این کشورها تمامی هزینه‌های آموزشی از طریق دولت تأمین می‌گردد. در بعضی دیگر از کشورها آموزش‌وپرورش از طریق اعمال قوانین کنترل‌کننده به خدمت گرفته می‌شود. در این کشورها قسمت عمده هزینه‌های آموزشی از طریق بخش خصوصی تأمین می‌گردد؛ گاه بخش خصوصی به‌تنهایی همه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی را عهده‌دار می‌گردد و گاه فعالیت‌های مربوط به آموزش‌وپرورش به‌تناسب بین بخش خصوصی و دولتی تقسیم می‌شود و متناسب با نوع و میزان فعالیت‌ها و همچنین وضعیت اجتماعی اقتصادی جامعه هزینه‌های آموزشی بین بخش خصوصی و دولت تقسیم می‌گردد. در این کشورها بخش خصوصی آموزش‌وپرورش از طریق اعمال قوانین کنترل می‌شود. میزان مشارکت بخش خصوصی در اداره آموزش‌وپرورش با میزان مشارکت بخش خصوصی در دیگر فعالیت‌های اجتماعی رابطه مستقیم دارد و به عوامل متعددی چون میزان پایبندی حکومت مرکزی به اصول مردم‌سالاری، میزان توسعه فرهنگی، وضعیت اقتصادی آحاد جامعه، وضعیت نیروی انسانی متخصص در امر تعلیم و تربیت، میزان رشد اقتصادی بخش خصوصی و قوانین حاکم برنهاد آموزش‌وپرورش (این قوانین منطبق با قانون اساسی و در جهت خواست حکومت مرکزی تدوین می‌گردد) بستگی دارد.

# دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الاعز الأجلّ الاکرم یا الله... یاارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله واخذل الکفر واهله.**

خدایا دل‌های ما را به انوار معرفت، عبادت، توحید و بندگی خودت منوّر بفرما. خدایا قدم‌های ما را درراه خودت ثابت بدار. خدایا دل‌های ما را به هم مهربان و نزدیک بفرما. شرور دشمنان اسلام را به خودشان بازبگردان. سربازان اسلام و امت اسلامی را در همه عالم موفق و پیروز بدار. خدایا از تو می‌خواهیم ما را در این ماه‌های عزیز و گرامی به بندگی، عبادت، رعایت حقوق مردم و توبه و بازگشت از گناهان موفق بدار. ما را در این ماه‌ها مشمول مغفرت و بخشایش خودت قرار بده و...

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ یلِدْ وَلَمْ یولَدْ وَلَمْ یکنْ لَهُ کفُوًا أَحَدٌ[[17]](#footnote-17)**

1. . اعراف آیه43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل عمران آیه 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. . مناجات شعبانیه. [↑](#footnote-ref-3)
4. . غافرآیه 19. [↑](#footnote-ref-4)
5. . یونس آیه 61. [↑](#footnote-ref-5)
6. . بحارالانوار, ج ۷۱, ص ۱۵۶. [↑](#footnote-ref-6)
7. . تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد غررالحکم و دررالکلم، شرح: محقق بارع جمال الدین محمدخوانساری، با مقدمه و تصحیح و تعلیق: میرجلال الدّین حسین ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه، چاپ پنجم، 1373. [↑](#footnote-ref-7)
8. . رعد، 39. [↑](#footnote-ref-8)
9. . مناجات شعبانیه. [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان. [↑](#footnote-ref-10)
11. . حدید آیه 22. [↑](#footnote-ref-11)
12. . تغابن، آیه 11. [↑](#footnote-ref-12)
13. . یونس آیه 49. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره والعصر. [↑](#footnote-ref-14)
15. . اعراف آیه 43. [↑](#footnote-ref-15)
16. . الحشر آیه 18. [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره اخلاص. [↑](#footnote-ref-17)